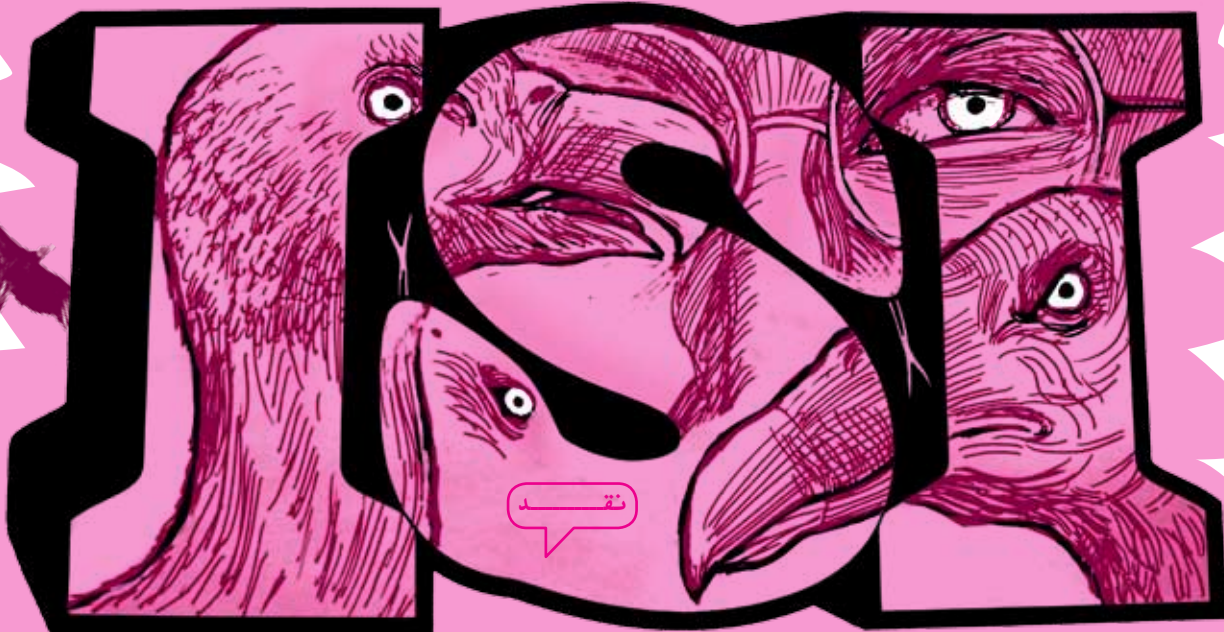




به ISI نه بگوئیم!

علی اصغر عظیمی
کارشناسی مشاوره

کلیدواژه‌ها: ملاک مقاله‌نویسی، اعتبار پژوهش

اشاره

یکی از ملاک‌های خلاقیت نگاه کردن به موضوع از جنبه‌های مختلف است. در جلسه‌ای آقای عظیمی نظرشان را در مورد مقالات ISI گفتند و با نظر غالب یا سونامی چاپ مقاله در مجلات ISI مخالف بود. بر آن شدیم تا جدید دیدن و نقد روش‌هایی که به آن عادت کرده‌ایم را تشویق کنیم و نظر ایشان را چاپ کردیم. چاپ این مطلب دلیل بر تأیید نظر ایشان از سوی هیچ ارگان و فرد خاصی نیست.

در سطح جهان از دیرباز فرهنگ غرب و شرق وجود داشته‌اند و قرن‌ها جدا از یکدیگر و با تفاوت‌های زیادی به حیات خود ادامه داده‌اند. فرهنگ شرقی عمیق و باطنی است. حداقل تظاهرات را دارد و عمده توجه آن به باطن افراد است اما فرهنگ غربی بر امور ظاهری استوار و بسیار پرزرق و برق است. به لحاظ تفاوت ماهیت و درون‌گرا بودن فرهنگ شرقی، در اغلب اوقات تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته است، چرا که بیشتر جلوه‌های فرهنگ غربی جلوه‌های حسی سطحی است؛ اما فرهنگ شرقی به‌طور عمده با جلوه‌های حسی عمقی سر و کار دارد و نیازمند تفکر و تدبیر است.

به همین لحاظ وقتی جوانان شرقی به سن بلوغ می‌رسند، آنچه برای آن‌ها جذاب است، فرهنگ غربی است. غالب شدن یک فرهنگ ظاهری بر یک کشور، عوارض زیادی دارد. به عنوان مثال، وقتی ظاهرگرایی، جای توجه به باطن را می‌گیرد، افراد به جای گوهر درون خود، به تربیت پوسته برون خود اهمیت می‌دهند یا اگر تحصیل علم و دانش به خودی خود همیشه خوب بوده، اکنون جای خود را به مدرک‌گرایی داده است. این‌ها نتیجه آن است که فرهنگ شرقی، ظاهری و برونی شده است. پس مظاهر آن هم باید

ظاهری باشد؟

توسعه رسانه‌ای و جهانی شدن سبب شد این دو فرهنگ با یکدیگر برخورد کنند فرهنگ ریشه‌دار بسیاری از کشورها به کلی منقلب شود. در اغلب موارد این امر به‌صورت منفی و از نوع استحاله فرهنگی است.

پیش از هر سخن و نقدی، ابتدا به سهم خود از تمام کسانی که در این سال‌ها به ISI مقاله داده‌اند تشکر می‌کنم. البته از یاد نباید برد که مقاله نویسان ISI، نیتی نیکو دارند و با قصد پیشبرد علم در عرصه علمی مقاله می‌نویسند اما برخی اوقات، افراد با نیت خیر، آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و به کشور ضربه می‌زنند.

اما در سالیان اخیر نظام سلطه غرب با گردآوری نیروهای خوش فکر در اتاق‌های فکر خود، در غفلت جوامع شرقی، از جمله ایران، دست به ابتکاری تازه زده و دفتر و دستکی در سطح دنیا بنیان نهاده است به نام ISI، یعنی مؤسسه اطلاعات علمی^۲ که به ظاهر بانک اطلاعات خصوصی است که نشریات و مقالات را فهرست می‌کند اما در باطن این مرکز و پشت پرده آن باید امپریالیسم را جست‌وجو کرد که با روشی بسیار شیک به غارت و استثمار علمی سایر کشورها می‌پردازد. آن‌ها زیرکانه، آگاهانه و با چراغ خاموش به میدان آمده‌اند؛ بدون اینکه خرج و هزینه‌ای برعهده آنان باشد. به قول سنایی: چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا.

جالب است که آن‌ها با به وجود آوردن حس رقابت کاذب در بین جوانان تحصیل کرده کشورها، گوناگون، با همدستی و مشارکت استادان و دانشجویان همان کشورها حاصل پژوهش‌ها و تحقیقات دیگران را به یغما می‌برند. متأسفانه در کشور ما نیز تب ISI در مراکز علمی و دانشگاهی بسیار داغ و فراگیر شده است و عده زیادی از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و استادان برای ثبت مقالات وطنی خود در آن مؤسسه کاذبی از هم سبقت می‌گیرند.



به لحاظ تفاوت ماهیت و درون‌گرا بودن فرهنگ شرقی، در اغلب اوقات تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گرفته است، چرا که بیشتر جلوه‌های فرهنگ غربی جلوه‌های حسی سطحی است؛ اما فرهنگ شرقی به طور عمده با جلوه‌های حسی عمقی سرو کار دارد و نیازمند تفکر و تدبیر است

البته نباید غفلت برخی دست‌اندرکاران علمی و فرهنگی کشور را در این امر نادیده گرفت که درج مقاله در ISI را یکی از امتیازات مهم برای جذب و ارتقای استادان و دانشجویان در نظر گرفته‌اند. یعنی استاد و دانشجویی موفق است که در ISI مقاله داشته باشد یا مقاله او در چند مجله خارجی به چاپ رسیده باشد!

نکته مهم دیگر این است که دشمن نیز مقالات دست اول استادان و دانشمندان ما را که شاید برای پژوهش و نگارش آن‌ها ماه‌ها عرق ریخته شده است، به سادگی به دست می‌آورد. تازه، برای آنکه ارباب به زحمت نیفتد، با برگردان مقاله بومی به زبان انگلیسی اسباب نوکری را نیز به خوبی فراهم آورده‌ایم. مقالات از زبان بومی مثل زبان فارسی، عربی، ژاپنی، آفریقایی و... باید به انگلیسی ترجمه شوند و بعد از چند سال به صورت کتاب‌های مرجع انگلیسی زبان به صورت وارداتی وارد محافل علمی دنیا گردند و به خودمان فروخته شوند! با این تفاوت که دیگر نامی از استادان بومی در آن‌ها نیست و بر روی جلدشان به جای نام‌های علی، محسن، آرش، و... نام‌هایی مانند آلفرد، جیمز، میشل و... تایپ می‌شود و به سراسر دنیا ارسال می‌گردد تا دنیا بفهمد خاستگاه علم و دانش آمریکا و اروپاست نه ایران. تصور کنید اگر پورسینای ایرانی هم‌اکنون زنده بود و کتاب «قانون» یا «شفای» خود را به ISI می‌فرستاد، آیا بعد از یک سال نامی از ابن سینا و کشور ایران و نام قانون یا شفا باقی می‌ماند یا همان کتاب را با نام جعلی یک دانشمند خارجی به خورد ما می‌دادند!!

یک استاد دانشکده مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی شریف می‌گوید: «در مراکز علمی ایران ISI خیلی مشهور است، اما در دیگر دانشگاه‌های معتبر دنیا ISI چندان معروف نیست؛ زیرا ارتقای علمی در آن دانشگاه‌ها اساساً ربطی به ISI ندارد. در دانشگاه‌های معتبر دنیا روش ارتقای استادان تقریباً مشابه حوزه‌های علمیه است. در این دانشگاه‌ها، مقالات، نوشته‌ها، تحقیقات و کارهای علمی فرد را برای چند استاد درجه یک در آن رشته می‌فرستند و در صورت تأیید آن‌ها فرد ارتقای علمی پیدا می‌کند. ما متأسفانه اعتماد به نفس کافی نداریم و داوری درباره خود را به مدد معیارها و ارزیابی‌های خارجی انجام می‌دهیم.

دانشجوی دکتر مجبور است در زمان کمی که در اختیار دارد، مقاله ISI چاپ کند و این شرط فارغ‌التحصیلی او در مقطع دکتراست. نتیجه طبیعی این است که در میان نشریات ISI، نشریات ضعیف و سهل‌گیر مورد توجه بیشتری واقع شوند تا بتوان مقاله نه‌چندان قوی را در آن منتشر ساخت. نباید فراموش کرد که تمام کسانی که در ISI مقاله داده‌اند، در حقیقت، نتیجه تحقیقات خود را به رایگان و بدون هیچ چشم‌داشتی و کاملاً خالصانه، در اختیار سایر کشورها قرار داده‌اند و چون مقاله‌نویسان ISI نیت خیر و انگیزه خدمت به بشریت را دارند، حتی خود زحمت می‌کشند و مقاله‌شان را به زبان انگلیسی می‌نویسند.

البته این مسئله که زبان انگلیسی زبان اول ایالات متحده شیطان بزرگ است، به آن‌ها ربطی ندارد. چون مقاله‌نویسان ISI فقط باید به تولید علم فکر کنند و نباید وارد نزاع‌های سیاسی خصوصاً نزاع انقلاب اسلامی و غرب شوند! اکنون جمهوری اسلامی با غرب، در یک منازعه تمام‌عیار قرار دارد و طرف مستکبر از جنگ سخن می‌گوید اما دانشمندان کشور مقالات علمی خود را به زبان دنیای استکبار می‌نویسند تا نامشان در ISI ثبت شود و اعتبار پیدا کنند. جالب‌تر اینکه مذهبی‌ها به خاطر ارتقای تعداد مقالاتشان در ISI، نماز شکر هم می‌خوانند و غیر مذهبی‌ها به جای نماز، برای نشان دادن خوشحالی خود سوت و کف می‌زنند.

در زمانه‌ای که به مدد اینترنت با یک کلیک می‌توان حجم عظیمی از نوشته و متن و صوت و تصویر را در اندک زمان، به دورترین نقاط عالم انتقال داد، هنوز هستند کسانی که فکر می‌کنند فرار مغزها بدین معناست که «بدن» و «تن» دانشمند داخلی از کشور مهاجرت کند و در کشور خارجی منزل گزیند. به راستی، آن‌ها که مقاله‌نویسی در ISI را مصداق «فرار مغزهای» آشکار نمی‌دانند، از کدامین غار افلاطونی سر بر آورده‌اند، که هنوز می‌پندارند در عصر مدرنیته چیزی به نام «مرز» و «داخل» کشور و «خارج» کشور معنا دارد؟

بلندگوهای تبلیغاتی و رسانه‌های تخدیرکننده می‌گویند «آمریکا در سال گذشته بیش از سیصد هزار مقاله در ISI منتشر کرده و ایران سال گذشته هفده هزار مقاله علمی در ISI داده است». اگر کسی اهل اندک تأملی باشد، درمی‌یابد که وقتی این مقالات همه به زبان غیر فارسی منتشر می‌شوند و آمریکا و انگلیس در استفاده از مقالات از خود ما پیش‌تازند، باید آمار را این گونه اعلام می‌کرد: آمریکا سیصد و هفده هزار - ایران صفر. و مبادا یک بار هم از خود ببرسیم که وقتی موضوع عمده مقالاتی که در ISI می‌نویسیم، بومی نیست و به درد پاسخ‌گویی به مشکلات کشور نمی‌خورد و تنها پاسخ به سؤالاتی است که اکنون در دنیای غرب، مطرح است، مقاله‌نویسی در ISI چه سودی دارد؟

به راستی مسئله ما چیست؟ آیا در پی آن هستیم با تولید علم مشکلات کشور را حل کنیم یا می‌خواهیم با آمار و ارقام و اعداد بازی کنیم و دل خود را خوش؟ اگر دانشگاه‌های ما به دنبال حل مشکلات علمی کشور هستند، چرا بر نوشتن مقاله در ISI و انتشار تحقیقات علمی خود به زبان انگلیسی و یا سایر زبان‌ها اصرار دارند؟ از همه ناشی‌تر، وزارتخانه‌ای است که ارتقای علمی استادان دانشگاه‌ها را مشروط به نوشتن و چاپ مقاله در ISI می‌کند. آمار ISI موجب ایجاد این «پندار» شده است که پیشرفت کرده‌ایم و دانشگاه‌های ما با تلاشی مثال‌زدنی مشغول تولید علم‌اند!

تا دیر نشده است یک بار برای همیشه به خود آییم. به قول معروف جلوی ضرر را هر جایی بگیریم منفعت و سود دارد. برای کم‌رنگ کردن اثر ISI و بازی‌هایی که در جامعه تحصیل کرده ما به راه افتاده است، پیشنهاد می‌شود با تجدیدنظر در ملاک‌های سنجش علم و ارزشیابی مقالات داخلی، برای شرکت‌کنندگان برتر و برندگان جوایز جشنواره‌های معتبر داخلی مانند جشنواره خوارزمی، جابرین حیان، فارابی، کاردان و ... ارزش قائل شویم و به آن‌ها بها دهیم. و برای برندگان این جشنواره‌ها امتیازات خاص و ارزشمندی قائل شویم تا ارزیابی دستاوردهای علمی و پژوهش‌های اندیشمندان جوان ما در داخل کشور و در مراجع علمی کشور باشد و نه در خارج کشور.

پی‌نوشت‌ها

ISI : Institute for Scientific Information

منابع

۱. دهقانی صادق؛ نشانی وبگاه. <http://migna.ir/Vdcaeanb.49nielskk6.html>
۲. مصاحبه دکتر محمد قدسی استاد دانشگاه شریف با راسخون
3. <http://rasekhoon.net/Article/show-53675.aspx>